

طوفان در مرداب

لئوناردو شاشا

ترجمه

مهدی سحابی

فرهنگ نشر نو
با همکاری نشر آسیم
تهران - ۱۴۰۰

طوفان در مرداب

ترجمه

مهدی سحابی

از

Il Consiglio d'Egitto

Leonardo Sciascia

Adelphi Edizioni, Milano, 1963

فرهنگ نشر نو

تهران، خیابان میرعماد، خیابان سیزدهم، پلاک ۱۳

تلفن: ۸۸۷۴۰۹۹۱

نوبت چاپ

اول، ۱۴۰۰

شمارگان

۱۱۰۰

صفحه‌آرایی

امیر عباسی

طراحی جلد

حکمت مرادی

چاپ و صحافی

سپیدار

ناظر چاپ

بهمن سراج

همه حقوق محفوظ است.

فهرست کتابخانه ملی

سرشناسه

شاشا، لئوناردو، ۱۹۸۹-۱۹۹۲ م.

عنوان و نام پدیدآور

طوفان در مرداب / لئوناردو شاشا؛

مشخصات نشر

ترجمه مهدی سحابی.

چاپ قبلی

تهران: فرهنگ نشر نو، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری

موسسه انتشارات نگاه، ۱۳۸۰.

فروست

۲۰۷ ص.

شابک

کتابخانه ادبیات داستانی.

فهرست نویسی

978-600-490-218-2

عنوان اصلی

Il Consiglio d'Egitto

موضوع

داستانهای ایتالیایی -- قرن ۲۰ م.

شناسه افزوده

سحابی، مهدی، ۱۳۲۲-۱۳۸۸، مترجم.

رده‌بندی کنگره

PQ۴۸۷۵

رده‌بندی دیویی

۸۵۳/۹۱۴

شماره کتابشناسی ملی

۶۲۱۸۱۶۸

مرکز پخش

آسیم

تلفن و دورنگار

۸۸۷۴۰۹۹۲-۴

فروشگاه اینترنتی

www.nashrenow.com

بها

۶۰۰،۰۰۰ ریال

مقدمه

در قلب اروپا طوفانی برپاست که به برانداختن نظم کهن پیش می‌آید، نظمی که بر پی‌های لرزانش کلیسای بزرگ زمینداران و بزرگ مالکان کلیسا به پیشگیری فاجعه دست به دست یکدیگر می‌دهند، اما با همین دست یاری هر کدام دیگری را به کام طوفان می‌کشند. سرخی سپیده‌امیدی که از افق سر می‌کشد رنگ خون جوان زنجیریان زمین است که در پرچم انقلاب کبیر، در کنار آبی خون کهنه اشraf و سفیدی سترون کشیشان خواهد نشست. عصر روشنی و خرد است، دورانی است که اروپای «دایرةالمعارف» واپسین مرده‌ریکی بدوان قرون وسطی را به تاریکی سردابه کلیساهای می‌سپارد و آنها را «کنجینه» می‌کند، تا هم از دستبردشان جلو بگیرد و هم از اینکه دوباره دستاویز شوند.

دامنه طوفان تا به جزیره سیسیل می‌رسد، به «مرز میان آب شور و آب متبرک» به «برهوتی که هرگونه نشانه کوشش و نوخواهی را در شتزار نابخردانه‌ترین سنت‌ها فرو می‌برد». در این هنگامه آشفتگی خواب‌ها، در این برخوردگاه گذشته و آینده براین برهوت خفته چه خواهد گذشت؟ اگر دری به روی نظم نوین بازکردنی باشد آن را چه کسی خواهد گشود؟ فرانچسکو دی بلازی، ژاکوبین، که به امید رهبری شورش ستم‌دیدگان برمی‌خیزد یا دن جوزپه ولای کشیش، که می‌کوشد تاریخ را دوباره بسازد، که گذشته‌ای را جعل می‌کند به هوای آینده‌ای، یا به امید «حالی» که فقط برای خود اوست؟
